

در این سرفصل همچنین می خوانید:

۵۲ بشمار اسد، سرمست قدرت

۵۴ شیرینی نفت

۵۹ تحولات اقتصادی جهان

۶۰ تحولات سیاسی جهان

۶۰ طرح ماه



افزایش قیمت‌ها در جهان

## جیب‌بر

نرخ رشد دو رقمی قیمت‌ها، زندگی دوسوم جمعیت جهان را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد.

رانالد ریگان، رییس‌جمهور سابق آمریکا، تورم را این‌گونه توصیف می‌کرد: "به بی‌رحمی یک جیب‌بر، به هولناکی یک سارق مسلح و در حد یک آدمکش حرفه‌ای، مرگ‌آور است." تا همین اواخر، مقامات بانک‌های مرکزی تصور می‌کردند که این تبهکار، برای همیشه به دام افتاده است. طی چندین سال گذشته، در سایه سیاست‌های صحیح پولی، تورم در سراسر جهان با نرخ پایینی روبه‌رو بود، اما این جیب‌بر، پاورچین پاورچین به صحنه بازگشته است. اگر چه آمریکا به یک رکود اقتصادی نزدیک شده و نرخ رشد در دیگر کشورهای پیشرفته، کاهش یافته، با این وجود، نرخ تورم همچنان رو به رشد است. در عین حال، ژان کلود تریشه، رییس‌بانک مرکزی اروپا، در مورد تکرار اشتباه دهه هفتاد - که در آن عدم مهار تورم باعث شد رشد اقتصادی، بهای گزافی را متحمل شود - هشدار داد. در واقع، روی سخنان وی با مقامات بانک‌های مرکزی کشورهای ثروتمند بود. وی معتقد است، سیاست‌گذاران کشورهای اقتصادی در حال رشد، باید بیشترین توجه را به این موضوع معطوف کنند.

در کشورهایی نظیر چین، هند، اندونزی و عربستان سعودی، آمارهای رسمی، نشان‌دهنده افزایش ۸ تا ۱۰ درصدی قیمت‌ها طی سال گذشته می‌باشند. این رقم

در روسیه بیش از ۱۴ درصد، در آرژانتین ۲۳ درصد و در ونزوئلا ۲۹ درصد است. دقت در این ارقام و ارقام مشابه بسیاری از کشورهای جهان، مبین این حقیقت است که در سال جاری، احتمالاً دو سوم جمعیت جهان، از افزایش دو رقمی نرخ تورم آسیب خواهند دید.

به طور کلی (و با احتساب ارقام رسمی)، میانگین نرخ تورم در سطح جهان به ۵/۵ درصد افزایش یافته، که بالاترین میزان تورم از سال ۱۹۹۹ تاکنون می‌باشد. علت اصلی این امر، افزایش قیمت‌ها در بخش مواد غذایی و نفت است، به طوری که قیمت نفت در ماه جاری، حتی به ارقام بالاتر از ۱۴۰ دلار در هر بشکه نیز رسید. اما نگرانی آقای تریشه این است که با قرار گرفتن نرخ‌های بالاتر تورم در تیر روزنامه‌ها، انتظارات تورمی بالا می‌رود و منجر به تقاضای دستمزدهای بیشتر می‌شود که این امر، مانند دهه هفتاد، آغازگر نرخ صعودی دستمزدها خواهد شد. اشتباه مقامات بانک‌های مرکزی در دهه هفتاد این بود که سیاست‌های پولی در آن زمان، فاقد انسجام لازم بود و در نتیجه، افزایش قیمت نفت به سرعت بر قیمت سایر بخش‌ها، تأثیر گذاشت. گفتنی است، این مسأله بسیار نگران‌کننده است، چرا که سیاست‌های پولی جهانی در حال حاضر، در نامنسجم‌ترین وضعیت خود (از دهه هفتاد تاکنون)، قرار دارند.

### مقصر کیست؟

در حال حاضر، میانگین نرخ واقعی بهره جهانی، منفی است. هم‌اکنون که شاهد افزایش نرخ تورم و در نتیجه، کاهش میزان بهره واقعی هستیم، با این سؤال روبه‌رو می‌شویم که آیا فدرال رزرو، مسؤول پیدایش این دوره جدید تورم است؟ اثبات این موضوع در کشورهای ثروتمند، امری مشکل است. نرخ تورم ۳/۹ در آمریکا و ۳/۳ درصدی در منطقه اروپا، بسیار بیشتر از میزانی است که بانک‌های مرکزی انتظار دارند و در نتیجه، انتظارات تورمی در حال افزایش است. اگر منطقه اروپا، نرخ رشد نسبتاً خوب خود را حفظ کند، قطعاً بانک مرکزی اروپا باید بیش از پیش، نگران مسأله تورم باشد. با این وجود، تا به حال، نشانه‌چندانی که حاکی از تأثیر قیمت بالای مواد غذایی و نفت بر روی قیمت در بخش‌های دیگر باشد، مشاهده نشده است.

در کشورهای ثروتمند، طی این مدت، نرخ دستمزدها تقریباً پایین مانده و نرخ اصلی تورم (صرف‌نظر از مواد غذایی و نفت)، کمی بیشتر از میزان آن در سال گذشته است.

علاوه بر آن، انتظار می‌رود نرخ رشد در آمریکا و اروپا طی سال آینده و سال‌های پس از آن، پایین‌تر از نرخ کنونی باشد. این احتمال نیز وجود دارد که نرخ بیکاری افزایش یابد که این خود، به کنترل افزایش دستمزدها کمک می‌کند. مدت ۲۸ سال، شاخص اطمینان مصرف‌کننده در آمریکا رو به کاهش بوده و این موضوع نشان می‌دهد که تقاضای مصرف‌کنندگان، کاهش خواهد یافت. این امر به نوبه خود، بنگاه‌ها را ترغیب می‌کند تا هزینه‌ها را کاهش داده و افزایش دستمزدها را محدود کنند. این موضوع، در کشورهای در حال توسعه بسیار متفاوت است. در این کشورها

قیمت‌ها رشد بسیار سریع تری دارند، زیرا مواد غذایی، بخش بزرگتری از شاخص قیمت مصرف‌کننده را تشکیل می‌دهند، اما نرخ دستمزدها و نیز نرخ تورم در حال افزایش است. بسیاری از این کشورها هر جا که احتمال کنترل تورم وجود داشته باشد، با نهایت قدرت خود وارد عمل می‌شوند.

شباهت‌های هشداردهنده‌ای بین اقتصادهای روبه‌رشد امروز و جهان ثروتمند در دهه هفتاد (یعنی همان زمانی که آن تورم عظیم آغاز شد)، وجود دارد. بسیاری از سیاست‌گذاران بازارهای روبه‌رشد، افزایش نرخ تورم را نوعی شوک کوتاه‌مدت در میزان عرضه کالا می‌دانند و بنابراین، نیاز چندانی به افزایش نرخ بهره احساس نمی‌کنند. این سیاست‌گذاران، در مقابل سعی می‌کنند با کنترل قیمت‌ها و تخصیص یارانه، قیمت‌ها را کاهش دهند.

لازم به ذکر است، میزان رشد عرضه پول در این کشورها، تقریباً سه برابر کشورهای پیشرفته است. بسیاری از بانک‌های مرکزی، هنوز کاملاً مستقل نشده و انتظارات تورمی در آنها، روندی فزاینده داشته است که این امر، احتمال افزایش دستمزدها را بالا می‌برد. بازارهای در حال رشد این کشورها ممکن است در حال ایجاد زمینه‌ای مناسب برای بازگشت این جیب‌بر (تورم)، به کشورهای خود باشند.

### مراقب پشت سرت باش!

همانند بسیاری از موضوعات دیگر، در اقتصاد جهانی طی سال‌های اخیر، افزایش نرخ تورم را نیز می‌توان، تا حدودی به وسیله ارتباطات روزافزون و پیچیده بین اقتصاد کشورهای پیشرفته و اقتصاد کشورهای در حال توسعه، شرح داد. اقتصادهای نوظهور، تا حدودی مسؤول وضعیت فریبنده و حباب‌مانندی هستند که در بخش اعتبارات و مسکن در آمریکا، به وجود آمده است.

از آنجا که کشورهای آسیایی و کشورهای صادرکننده نفت در خاورمیانه، مازاد حساب‌های جاری فراوانی داشتند، اندوخته‌های خارجی خود را غالباً به شکل اوراق بهادار در خزانه آمریکا جمع کردند تا از افزایش حجم پول جلوگیری کنند، که این مسأله، بازده اوراق قرضه را کاهش داد.

در همین زمان، واردات کالاهای ارزان قیمت از چین و کشورهای دیگر به بانک‌های مرکزی کشورهای ثروتمند کمک کرد تا نرخ بهره کوتاه‌مدت را نسبت به گذشته پایین‌تر آورده و همزمان، تورم را نیز کاهش دهند. ورود این پول ارزان به کشور، به وضعیت فریبنده و حباب‌مانند آمریکا دامن زد. اکنون که این حباب منفجر شده، انگیزه سیاست‌های پولی برون مرزی تغییر جهت داده است.

با کاهش نرخ بهره از سوی فدرال رزرو، آن دسته از کشورهای در حال توسعه که واحد پولی خود را به دلار وابسته کرده‌اند، با وجود اقتصادهای پویا و قیمت‌های روبه‌رشد، مجبور شده‌اند سیاست‌های

پولی نامطمئنی را در پیش گیرند. اقتصادهای روبه‌رشدی که دارای همسوترین واحد پولی با دلار هستند، به ویژه در آسیا و منطقه خلیج فارس، شاهد بیشترین افزایش قیمت‌ها بوده‌اند.

گفتنی است، کشورهایی نظیر مکزیک که دارای پُرنوسان‌ترین نرخ ارز هستند و بیشترین توجه خود را معطوف به اهداف تورمی کرده‌اند، عملکرد بهتری داشته‌اند. حتی اگر نرخ بهره فدرال رزرو، به نفع اقتصاد آمریکا باشد، نرخ بهره جهانی، بیش از حد پایین است. در عوض، محرک‌های غیرضروری برای افزایش تقاضا در اقتصادهای روبه‌رشد، موجب افزایش بیش از پیش قیمت کالاها شده است.

یکی دیگر از عوامل افزایش قیمت کالا در این کشورها، معاملات پُریسک توسط سرمایه‌گذارانی است که از این طریق، به دنبال کسب سودی بیشتر از بازده اوراق قرضه می‌باشند. بازار این اوراق، هنوز هم در اثر تجمع

### امید در سوریه

## بشار اسد، سرمست قدرت

توافق‌نامه سوریه و لبنان که ماه گذشته در دوحه حاصل شد، برای سوریه نتایج پُرباری خواهد داشت.



را بر عهده داشت، در بازگرداندن اعتبار سیاسی بشار اسد به او که به دلیل مشارکت در وقایع خونبار لبنان و سرکوبی شورشیان در کشور خود خدشه دار شده بود، مؤثر بوده است.

### اسد در توافق‌نامه دوحه

سؤالی که در این مرحله با آن مواجه هستیم این است که بشار اسد چه اقدامی را در پیش گرفته که شایسته چنین قدردانی غیرمعمولی است؟ از نظر خود او، تنها کاری که انجام داده این است که موضع خود را حفظ کرده و صبورانه به انتظار اقدامات دیگران و نتایج مذاکرات نشست است.

در حال حاضر، بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه، منافع سیاسی و اقتصادی کلانی از توافق‌نامه سیاسی با لبنان کسب می‌کند. امیر قطر، به منظور قدردانی از نقش مؤثر بشار اسد در توافق‌نامه دوحه، در شهر دمشق با او ملاقات کرد. پس از این دیدار، بشار اسد از امارات عربی متحده و کویت بازدید نمود. این دو کشور، کمک‌های سخاوتمندانه بسیاری در اختیار دولت سوریه قرار داده‌اند. از جمله کمک‌های این دو کشور، می‌توان به خرید ۵۰۰ هزار تن گندم برای سوریه، توسط ابوظبی اشاره کرد. به نظر می‌رسد، حضور در نشست سران کشورهای حوزه مدیترانه در ۱۳ ژوئیه، که نیکلا سارکوزی، رئیس‌جمهور فرانسه، میزبانی آن